



در خیمه ی حسین، یکی شد زبان ما...

«جوان مسیحی به همراه همسر و مادرش در کارزار کربلا»

وهب بن عبدالله کلبی، جوان زیبا روی، نیک خوی، پرهیزکار، مؤمن و شجاع کوفی بود.

طبق منابع تاریخی و برخی از مورخان، وهب و همسر و مادرش نصرانی (مسیحی) بودند و در راه کربلا در ثعلبیه به کاروان امام حسین علیه السلام پیوست.

وی که در روز عاشورا بیست و پنج سال داشت و از دامادی او هفده روز می گذشت، پس برخی از یاران امام حسین برای دفاع از نوه پیامبر و آموزه های آزادی بخش اسلام به میدان جنگ با دشمنان رفت و جنگ نیکو و نمایانی کرد.

سپس به سوی مادرش قمر و همسرش، حانیه که با او در کربلا بودند بازگشت و به مادرش گفت: آیا از من راضی شدی؟ مادرش گفت: من از تو خشنود نمی شوم مگر آنکه تا آخرین لحظه ی عمرت از نوه پیامبر دفاع کنی.

به میدان جنگ رفت و مبارزه کرد...سپاه دشمن دو دستش را مجروح کرد. در این هنگام همسرش عمودی به دست گرفت و به سوی او آمد و گفت: پدر و مادرم به فدایت، در راه یاری پاکان حرم رسول خدا بجنگ! وهب می خواست همسرش را به خیمه برگرداند ولی همسرش گفت: هرگز مراجعت نمی کنم مگر این که همراه تو شهید شوم!

سرانجام پس از آنکه هفتاد زخم بر وی وارد شد دشمنان او را شهید کردند و سرش را بردند و نزد مادرش انداختند. مادر، خون از چهره اش پاک می کرد و می گفت: « گواهی می دهم که یهود و نصاری و زرتشتی ها در کلیسا و آتشکده های خود از شما (دشمنان حسین) بهترند.»

نوشته اند حانیه همسر وهب، همراه شوهرش به حضور امام حسین علیه السلام رسید و در محضر آن حضرت تقاضا کرد: در روز قیامت، وهب، بدون او به بهشت نرود و امام حسین(ع) رضایت وی را با وعده پاداش خیر در آخرت فراهم کرد.

## Educational Tourism Institute (Voice of Fitrah)

[www.avayefetrat.ir](http://www.avayefetrat.ir)

+98-919-25-25-055

<https://www.instagram.com/avayefetrat>

<https://www.facebook.com/avayefetrat>

<https://telegram.org/avayefetrat>

<https://castbox.fm/vc/5313071>